

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

خوانش نمادگرایی پایداری در مجموعه شعر گنجشک و جبرئیل و الحسین لغة ثانیة

(علمی-پژوهشی)

دکتر احمدرضا حیدریان شهری^۱، حکیمه دانشور^۲، حبیبه عزیزی افضل^۳

چکیده

شعر پایداری عاشورایی عربی و فارسی هر روز پرتوانتر از دیروز، عرصه‌های معنایی و تصویرآفرینی و صور خیال را می‌پیماید و غنی‌تر و شکوفاتر می‌گردد تا جایی که توانسته از مرزهای عادی درگذرد و در مقایسه با شعر دهه‌های گذشته زیباتر، خیال‌انگیزتر و پر رمز و رازتر شود. توجه به این نمادها ما را با پیام‌ها و آرمان‌های عاشورا و شاعران عاشورایی آشنا می‌سازد؛ «گنجشک و جبرئیل سید حسن حسینی و «الحسین لغة ثانیة» سروده جواد جمیل دو اثر سرآمد نمادپردازی در شعر عاشورایی هستند که در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی نمادهای آنها می‌پردازیم.

از دید حسینی، عاشورا نه تنها حادثه‌ای مغموم نیست، بلکه او با کاربرد بالای بسامد نمادهای حنجره، گلو و گلوگاه و رنگ سرخ بر عدالت‌خواهی، فریاد و مبارزه‌طلبی قیام عاشورا تکیه می‌کند. اندیشه و فلسفه حاکم بر تمامی اشعار این مجموعه «ما رأیتُ إلا جمیلاً» می‌باشد؛ همچنین در زمینه نمادهای ملی و اسطوره‌ای حسینی با تکیه بر فرهنگ ایرانی و اسلامی و با اعتقاد به حکمت اشراق اشعار خود را می‌سراید.

جمیل با نگاهی فرامکانی و فرازمانی به عاشورا می‌نگرد. نمادهای لب، خاکستر و خاکستری در شعر او، فضای استبداد و ابهام حاکم بر کشور عراق را مجسم می‌نماید و زخم و جراحت حسین^(ع) زبانی دیگر است؛ زبان دومی که تفسیر زبان وحی و پیامبر (ص) است.

واژه‌های کلیدی: گنجشک و جبرئیل، الحسین لغة ثانیة، عاشورا، نماد

^۱ . دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ . دانشجوی دکتری ادبیات فارسی پردیس دانشگاه فردوسی مشهد و مربی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده)

مسئول (ha.daneshvar2012@yahoo.com)

^۳ . کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی و مدرس دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۳

۱- مقدمه

«ادبیات مقاومت، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶).

«این گونه مهم ادبی از آغاز حرکت ادبی در ادبیات فارسی و عربی شکل گرفته و در هر دوره با فراز و نشیب‌های فراوان مواجه گردیده‌است» (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۶) اما در هیچ دوره‌ای رو به افول نگذاشت و همواره در شعر و ادبیات نویسندگان و شاعران ظهوری جاودانه داشت؛ گرچه شرایط حاکم بر اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تغییراتی در قالب و شکل بروز آن ایجاد نموده‌است. بی‌تردید نهضت‌های انبیا و امامان و مبارزات آنها با طاغوت‌های زمان و به تبع آن، مجاهدت‌ها و جنگ‌ها و مبارزات حق‌طلبانه در طول تاریخ از عوامل مؤثر پویایی ادبیات مقاومت می‌باشد.

یکی از این عوامل، حادثه عظیم عاشورا است. عاشورا، الگویی تمام عیار برای برپاداشتن پرچم سرخ مبارزه و شهادت‌طلبی است و با نفوذی که در همه عرصه‌های فرهنگی، هنری و ادبی گذاشته، توانسته بین خود، شاعران و عواطف مردم به‌خصوص شیعیان پیوندی عمیق و وصف ناشدنی ایجاد نماید.

در این قرن، شعر شاعر شیعی توانست از مرزهای عادی درگذرد و به همراه تصویر، موسیقی، خیال و عاطفه، روایتگر حماسه، عرفان، شجاعت و استقامت امام حسین (ع) و یارانشان در روز عاشورا باشد و در مقایسه با شعر دهه‌های گذشته، زیباتر، خیال‌انگیزتر و پر رمز و رازتر به جامعه بشری هدیه گردد. حسن حسینی و جواد جمیل، دو شاعر معاصر ایرانی و عراقی می‌باشند که مضامین دینی و عاشورایی را به شکل بدیع و نمادین در دو مجموعه شعر

«گنجشک و جبرئیل» و «الحسین لغة ثانية» بیان کرده‌اند که در این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای به تحلیل و تطبیق این دو اثر می‌پردازیم. کتاب «الحسین لغة ثانية» کتابی است که بدون مقدمه با شعر «الاهداء» آغاز می‌گردد؛ شاعر در این تقدیم، ظاهراً شعر را به کسی پیشکش نمی‌کند اما به شکل نمادین و ضمنی، این کتاب را به امام زمان (عج) تقدیم می‌کند. کتاب شامل (۱۵) مکاشفه با نام «الرؤیا»، (۱۰) صحنه از حوادث کربلا با عنوان «المشاهدة» و (۱۰) بعد با بیان شخصیت‌های حاضر در کربلا و (۱۳) بخش پیشگویی به نام «النبوءة» می‌باشد (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

جَمیل در کتاب «الحسین لغة ثانية» با استفاده از نمادهای طبیعی، رنگ‌ها و ... تصاویر بدیعی از صحنه عاشورا و شخصیت امام حسین و یارانش را ترسیم نموده‌است به گونه‌ای که در سروده‌های وی، جراحات‌های امام حسین، سرچشمه‌ای می‌شوند برای فریاد کردن ندای عدالت‌خواهی و به آتشفشانی بدل می‌گردند که بازتاب فریادهای ستمدیدگان تاریخ خواهد بود.

کتاب «گنجشک و جبرئیل» حسن حسینی، اوج و قلّه زبان نمادین است؛ شامل سی و یک شعر سپید و آزاد که با توجه به وحدت موضوع آن، ابداعی در ادبیات دینی تلقی می‌گردد. این اشعار با لحنی که از آموزه‌های مرحوم دکتر شریعتی رنگ گرفته، پنجره‌ای جدید برای تماشای دنیا از نگاه دین می‌گشاید. زبان ویژه حسن حسینی با این کتاب است که خود را به فضای شعر معاصر می‌شناساند» (نامی، ۱۳۸۷: ۱۹).

۱-۱- بیان مسئله

امروزه، شعر عاشورایی معاصر عربی و فارسی با زبان رمز و نماد، عرصه‌ها و لایه‌های جدیدی را از انقلاب امام حسین (ع) علیه بیدادگری در برابر چشم مسلمانان قرار می‌دهد.

رمزگشایی، بررسی و مقایسه این رمزا و نمادها، راهی است برای درک و کنار زدن این لایه‌ها. مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» و «الحسین لغه ثانیه» نمونه این گرایش می‌باشد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

دو مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» و «الحسین لغه ثانیه»، دو اثر برجسته و نمادین در حوزه ادبیات مقاومت و شعر عاشورایی است که تاکنون نمادهای این دو اثر در هیچ پژوهشی به صورت اختصاصی و با رویکرد تطبیقی، مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند گرچه جستارهایی به شکلی کلی در آثار حسینی انجام پذیرفته مثل: «تحلیل شعر حسن حسینی از منظر صور خیال» که در این مقاله کوشش شده‌است، صور خیال در شعرهای این شاعر، براساس عناصری چون تشبیه، استعاره، نماد و حس آمیزی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و از این نوع است: مقاله «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» و مقاله «رمانتسیم در شعر مقاومت سید حسن حسینی» و مقاله تطبیقی «گستره عناصر نماد در اسطوره در اشعار سمیح القاسم و حسن حسینی»؛ همچنین در این زمینه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و مقایسه کمی و کیفی صورخیال (تشبیه، استعاره و نماد) در اشعار پنج شاعر (قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، حسن حسینی، عبدالجبار کاکایی و علی مردانی)» به رشته تحریر درآمده‌است؛ اما در مورد آثار جمیل، جز مقاله «درونمایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل با تأکید بر دفتر شعری (اشیاء حذقتها الرقابه)»، می‌توان به مقاله خانم نرگس انصاری با عنوان «نمادپردازی در شعر مقاومت جواد جمیل» اشاره کرد که ایشان برخی از نمادهای کتاب (الحسین لغه ثانیه) را بررسی کرده‌اند و همچنین مقاله‌ای با عنوان «با جواد جمیل در سروده‌هایش (باتکیه بر دفتر شعر الحسین لغه ثانیه) نیز نگاشته‌اند که ویژگی‌های مهم و برجسته مضامین و درونمایه این مجموعه شعری در آن بیان شده‌است.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

در دهه‌های اخیر، جریانات حاکم بر کشورهای عربی و ایران مخصوصاً نهضت‌های بیداری بعد از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هشت ساله ایران باعث رشد و تحول فزاینده شعر مقاومت و به‌ویژه شعر عاشورایی گردیده‌است. بررسی دیدگاه و نقاط افتراق و اشتراک آثار برجسته نمادین ادبیات مقاومت و عاشورایی نسبت به حادثه کربلا در عصر خیزش اسلامی می‌تواند پنجره‌ای باشد برای رسیدن به درکی تازه و مشترک از این آثار.

۲- بحث

قبل از تطبیق نمادها در این دو کتاب، ابتدا به تعریف و سپس تقسیم‌بندی نماد از دیدگاه‌های مختلف اشاره می‌گردد.

۲-۱- نماد

«نماد، بیان‌کننده کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است اما این موضوعات و تصاویر جزئی خیالی، زنده و جاندارند که ذهن را تسخیر می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)؛ بنابراین، نمادها، تصاویر عینی و ملموسی هستند که برای بیان عواطف و حقایق انتزاعی به کاربرده می‌شوند؛ به قول چدویک «اشیا فقط شیء نیستند، نمادهایی از شکل‌هایی آرمانی می‌باشند» (چدویک، ۱۳۸۸: ۱۷). پس «نمادگرایی، رویگردانی از ساحت بدیهیات و ادراک عامیانه و گرایش به خصوصی‌سازی ادراک و میل به امور دور از دسترس و دشواریاب است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۲) که این امر تنها در عالم خیال، تحقق می‌یابد و ورود به دنیای شعر، وارد شدن به عالم تخیل و عالم ماوراء است. چدویک می‌گوید: «به واسطه شعر است که چشم جان، شکوه و زیبایی آن سوی گور را می‌بیند» (چدویک، ۱۳۸۸: ۱۷).

نکته اساسی در تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که نمادها در همه دوره‌ها، پویا و زنده نمی‌باشند؛ مثلاً «شعر قرن ششم و هفتم، دوران شکوفایی نمادهای پر قدرت و پویای عرفانی است و

عصر تیموری، دوران زوال و مرگ همان نمادها می‌باشد یا نمادهایی مانند موج، جنگل، ساحل و لاله که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ پویا و زنده بودند، روز به روز تاثیر خود را از دست دادند و در سه دهه بعد به نمادهای مرسوم و متداول مردمی بدل شدند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

در آغاز دهه شصت، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در ایران و همچنین با رشد نهضت‌های آزادی بخش و بیداری در جهان عرب، تحوّل معنایی در شعر پایدار ایجاد شد و باعث گردید تا فضای شعر قبل از انقلاب را که پر بود از نمادهایی مانند شب، سردی، پاییز، زمستان به نمادهایی پویا و پرشور تبدیل نماید.

با رشد ویژگی حماسی و استقلال در شعر عاشورایی در برابر ویژگی بکایی و مرثیه سرایی، گرایش به ابهام و استعاره از زبان تخیلی در شعر فارسی برجسته‌تر شد و «در مورد میزان بهره‌مندی اشعار عاشورایی عربی و فارسی از عنصر تخیل، باید گفت این ادبیات در دو زبان، روندی صعودی را طی کرد و در نهایت به زبان نماد و رمز ختم شده‌است» (آل بویه لنگرودی و انصاری، ۱۳۸۹: ۲۹).

گرچه در شعر عاشورایی فارسی و عربی، نقاط مشترک بسیاری وجود دارد؛ اما چون فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی با شرایط حاکم در ایران متفاوت است؛ بدین معنی که شاعران عرب زبان در محیطی دارای اختناق و با وجود حاکمان ظالم و جبار به سر می‌برند؛ اما در ایران، مبارزات، بیشتر ایستادگی و مقاومت علیه ابر قدرت‌ها می‌باشد، تفاوت‌هایی در مضامین دو گونه شعر دیده می‌شود.

۲-۲- انواع نمادها

۲-۲- ۱- انواع نمادها از نظر خاستگاه به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- طبیعت ۲- آیین‌های دینی و مذهبی ۳- آیین‌های ملی و اساطیری (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

۲-۱-۱-۲-۲ - **نمادهای طبیعت:** در این نمادها، شاعر، تصویر عناصر طبیعت را برای مفاهیم نامحسوس عاطفی و ماورایی استفاده می‌نماید که این نمادها خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۱-۱-۱-۲-۲ - عناصر جمادی

این نوع از نمادها، همواره از پرکاربردترین نمادهایی است که شاعران برای به تصویر کشیدن مفاهیم ذهنی خود از آن بهره می‌گیرند.

حسینی نیز در کتاب خود از این نماد نسبت به دو نماد دیگر بیشتر استفاده کرده است، نمادهایی مانند شط، سحر، پرچین، سپیده، بامداد، ابرها، صاعقه، کهکشان. پشت به اقیانوس / هرگز / دمای باران / بالا نمی‌رود (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۹). چه برهوتی / در کویرشان / کولاک می‌کند (همان: ۷۵).

در شعر جمیل نیز مانند شعر حسینی، نمادهای طبیعی بیشترین کاربرد را دارد؛ اما واژه‌های «رود، خاکستر، طوفان، کوه، دود، ریگزار، زخم و گنجشک» بسامد بالایی دارد. قد توکّات یا جبلٌ فوق رمح.. محطّم (الرؤیا التاسعة) (جمیل، ۱۹۹۶: ۳۵). (ای کوه که بر بالای نيزه‌ای شکسته تکیه کرده‌ای)

کوه در فرهنگ‌ها، نماد مقاومت است و در اینجا نیز نماد امام حسین (ع). «حادثه عاشورا و تقابل حق و باطل و خیر و شر موجب شده تا نمادهای نور، شب، روشنایی، صبح، فجر به عنوان پرکاربردترین نمادهای برگرفته از طبیعت در شعر عاشورایی در دو زبان به شمار آیند» (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

بسامد بالای بهره‌گیری نمادین دو شاعر از بعضی عناصر طبیعت مانند خاکستر، غبار و دود نشان دهنده جوّ اختناق، استبداد و حسّ رنج و غم در فضای شعری جواد جمیل و نمادهای سحر، سپیده، سرخ، ابرها، صاعقه، کهکشان، مبارزه، جنگ، اراده و ایستادگی را در شعر حسینی به نمایش می‌گذارد.

۲-۲-۱-۱-۲-۲- نماد حیوانات در شعر دو شاعر

حیوانات از عناصر طبیعت هستند که همواره شاعران در اشعار خود از آن‌ها استفاده می‌کنند.

در شعر حسینی، کاربرد نمادهای حیوانی مانند: شغال کبود (حسینی، ۱۳۸۶: ۹۴)، کوسه (همان: ۷۸)، اژدها (همان: ۴۴) و ذوالجناح بر مفاهیمی شناخته شده دلالت می‌کند مانند:

و آستین منطقی ساحل / به لبخندی / برهان قاطع کوسه‌ها را / باطل خواهد کرد
 «کوسه» نماد درنده‌خویی و پستی است و برای معرفی چهره‌های حیوان‌صفت ظالمان و تبهکاران بکار رفته؛ اما این گونه نمادها، گاه معنایی متفاوت پیدا می‌کند مثلاً «دندان براق گرگ‌ها» در شعر زیر نماد سرنیزه و دشمن دشمن است که در قلب امام فرو می‌رود و نشان از درنده‌خویی آنها دارد.

دندان براق گرگ‌ها / در نرمینه دلت / افول می‌کرد (همان: ۵۹).

نکته قابل تأمل این است که حسینی برخلاف نام کتاب، هیچ اشاره‌ای به نام «گنجشک» نکرده است.

نمادهای حیوانی در کتاب «الحسین لغه ثانیه» عبارتند از: مرغ دریایی، گنجشک، پروانه، گرگ، عنکبوت و کرم؛ اما پربسامدترین نماد حیوانی شعر جمیل، «گنجشک» و «اسب» است که او با تعابیر گوناگون از آن بهره جسته و زیباترین آن را در الرؤیا الثالثة عشرة آورده است.

كَانَ لِلْمَاءِ وَجْهٌ عصفورة بيضاء / أغرى الوادی علیها الذئبا (جمیل، ۱۹۹۶: ۴۳).

آب، چهره گنجشک سفیدی را داشت که بیابان، گرگ‌ها را بر علیه آن تحریک کرده بود.

عصافیر ماء عرایا / تُقبَلُ جنة طفلی القتیل (النوء الثانیه) (همان: ۱۲۹).

(این گنجشکان عریان آب هستند که بر پیکر کودک کشته شده، بوسه می‌زنند).

این کلمه که ۶ بار به صورت مفرد و ۶ مرتبه به صورت جمع به کار رفته، نماد پیام‌آوری،

احساس معنوی، آرمان و آرامش است (شاملی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

امام حسین (ع) از مردم می خواهد که در شهرهای سنگی بی روح و صرفاً با اشک و اندوه به دنبال او نباشند؛ بلکه او تنها در شهرهایی سکونت می کند که تیغ و شمشیر با هم ساخته شده باشد و در پایان شعر می گوید:

لا تبحثوا فخلف كل جرح / عصفورة تُبْنِكُمْ عن صبح! (النبوء الخامسة) (همان: ۱۳۴).

(مرا) جستجو نکنید که پشت هر جراحی، گنجشکی خبر آمدن صبح را می دهد. یکی دیگر از حیوانات پر کاربرد این مجموعه، پروانه است که نماد روح رها شده از جسم و روح جنگجوی خشمگین می باشد.

ووجهه فراشه / حطت علی بوابه العذاب (الرویا السادسة) (همان: ۲۶).

(و چهره اش مانند پروانه ای است که در دروازه عذاب فرود آمد.)

گرگ در شعر جمیل، نماد خون آشامی و عنکبوت، مسدود کننده راه نور است.

أنا أخصی أن یلعق الذئب أحلامی و یرفو جراحی العنكبوت (البعء الخائف) (همان: ۹۹).

(من می ترسم که گرگ، رویاهای مرا به کام کشد / و عنکبوت زخم های مرا ببندد.)

تنوع و بسامد تصاویر نمادین حیوانی در اثر جمیل، بیشتر از شعر حسینی است؛ اما در این نمادها هر دو شعر، زنجیره ای از مضامین ادبیات مقاومت را بیان می دارد.

۲-۲-۱-۱-۳- کاربرد رنگ

«هر شاعر به طور خود آگاه و ناخود آگاه برای نگارگری اشعار خود دست به انتخاب رنگ می زند که طبیعت گرایی شاعران، گرایش به رنگ را بالا می برد. دنیایی پیچیده که ارتباط آن با روح انسانی، ارتباطی عمیق و شگفت آور است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۲۶).

اما مجموعاً کاربرد و تنوع رنگ در اشعار حسینی، بیشتر از شعر جواد جمیل است و این مسئله بر تنوع تصویر آفرینی شعر حسینی تأثیر گذاشته است.

عناصر طبیعی رنگ‌های ارغوانی، سرخ، آبی، سفید از نمادهای مثبت می‌باشد که حسینی از آنها استفاده کرده‌است.

چه پر برکت / فریاد آبی تکبیر / ازدل تمام دریاها بلند بود (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۵).

واژه «آبی» هم به معنی رنگ آبی است و هم به معنی فریاد برخاسته از عطش.

از خاک سجده‌های سرخ / گلدسته‌ای فوران کرد / و سقف بلند فریادی نفیس / قائم به عشق / بالا رفت (همان: ۷۳).

چنین شد تاریخ گل / با جغرافیای ارغوانی نامت / جاودانه عجین شد (همان: ۵۹).

رنگ سیاه و زرد از نمادهای منفی شعر اوست:

اوقات سبزیباغ / با قصه‌های زرد / تلف می‌شود (همان: ۲۱).

رنگ‌های سبز، سرخ، سفید، خاکستری، آبی و سیاه از جمله رنگ‌هایی است که جمیل در کتاب «الحسین لغة ثانية» از آنها بهره گرفته‌است؛ اما آن‌چه حائز اهمیت است، بسامد بالای استفاده از رنگ خاکستری است. خاکستر در ادبیات، نماد بازمانده جسم است که پس از خاموشی آتش باقی می‌ماند و با دیدی آخرالزمانی، خاکستر نماد پوچی زندگی بشری به دلیل ناپایداری این زندگی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ج ۴، ۵۶) و رنگ خاکستری نمادی از ابهام و شبهه می‌باشد مثلاً:

هوَ وَحْدَهُ الْمَصْلُوبُ خَلْفَ جَنَازَةِ الْمَاءِ / فِي زَمَنِ رَمَادِيٍّ .. مَهْتَمُّ (النَّبِوءِ الْتَّاسِعِ) (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۶).

(او به صلیب کشیده شد پشت جنازه آب در زمان‌های خاکستری شکسته).

شاعر، زمان شهادت امام حسین (ع) را زمانی می‌داند که روزگار از نظر حق و باطل در هاله‌ای از ابهام و سردرگمی قرار دارد.

در المشهد الثالث، زمان را جسم روزهای خاکستری می‌داند:

مسافرٌ یدری بأنَّ الزَّمانُ أَشْلَاءُ أَيَّامِ رَمَادِيَّةٍ (المشهد الثالث) (همان: ۵۶).

(مسافری است که می‌داند، زمان جسد روزهای خاکستری است.)

الْبَعْدُ الْرَّمَادِيه (بعد خاکستری) نیز اشعاری است که دربارهٔ شبث بن ربعی سروده شده است؛ مردی که با امام حسین بیعت کرد و سپس بیعت خود را شکست و یکی از فرماندهان لشکر دشمن شد.

آبی، یکی از ژرف‌ترین رنگ‌هاست (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۲) و نماد حقیقت، ثبات و صلح است (کوپر: ۱۳۹۱، ۱۷۸) و رنگ سبز در فرهنگ اسلامی، رنگ مقدس است (همان، ۱۸۰) و نماد از بیداری و زندگی است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ج ۳، ۵۱۶).

رنگ آبی در شعر هر دو شاعر، تداعی‌کنندهٔ روح آرام و نفس مطمئنه و آرامش است و رنگ سبز نیز مفهوم قدس، حیات و زندگی را دارد.

و خِيُولٌ تُمَزَّقُ الْجَسَدَ الْأَخْضَرَ (الرُّؤْيَا الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ) (جمیل، ۱۹۹۶: ۵۰).

(و اسب‌هایی که آن بدن سبز را پاره‌پاره کردند.)

حنانیکَ ... مَا عَادَ لِلطَّيْنِ مَعْنَى، / وَلَا الْبَحْرُ أَزْرَقُ (المشهد السادس) (همان: ۶۸).

(رحم کن که هنوز نه گل، معنای خود را یافته و نه دریا، رنگ آبی را.)

و در این شعر حسن حسینی:

تنها دو دست آبی / از دست آسمان رفت (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۲).

که اشاره به روح آرام و وسعت وجودی حضرت عباس (ع) دارد؛ در مجموع شعر حسینی از تنوع رنگ بیشتری برخوردار است و رنگ سرخ دارای بیشترین بسامد رنگ‌ها می‌باشد. رنگ سرخ، بیان‌کنندهٔ حیات، حرکت، پویایی و حماسه‌آفرینی است.

ستاره‌ها / یک یک / سرخ / سوسو زدند (همان: ۱۴)

۲-۱-۲-۲- نمادهای دینی در ادبیات

«به نمادهایی گفته می‌شود که شاعر با تکیه بر تفکر و بینش و گنجینهٔ دینی و آیینی خود از آن بهره می‌گیرد. این نمادها شامل نام پیشوایان و رهبران دینی، مکان‌های مقدس، زمان‌های مقدس دینی و اشیا

است. در شعر نمادین، این عناصر در سطح واژگانی نمی‌مانند؛ بلکه مفهوم رمزی پیدا می‌کنند و به یک نماد آئینی بدل می‌شوند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۲).

نمادهای دینی در شعر حسن حسینی، کارکرد گسترده‌ای دارد و از جمله این نمادها در کتاب او: ذوالفقار، تسبیح، قرآن، ملائکه و عرش و همچنین ترکیباتی مانند: مروارید محمدی (همان: ۳۳)، خاتم انگشت (همان: ۱۲) است.

قرآن بخوان / آن گاه / با ذوالفقار / بر ازدها بتاز (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۴).

اما استفاده حسینی از عناصر دینی و ابتکاری به اشعار او تازگی و طراوت می‌بخشد و شعر او را سرشار از تعابیر نمادی و رمزی می‌نماید.

انکار خنجر و زوبین / خدشه‌ای وارد نکرد / هنوز رسا و بلندی: الف / لام / میم ... (همان: ۵۱).
و یا در این ابیات با بیانی دینی و در کلامی کوتاه و زیبا، پیام عاشورا را به جامعه هدیه می‌کند:
از آن روز / بر چشم‌های قبیله / گریه، مکروه / خفتن، حرام / دیدن - عمیق دیدن - واجب عینی شد
(همان: ۷۰).

در شعر جمیل، واژه‌های «مئذنه» (الرؤیا الثالثة)، «صلاة» (الرؤیا الثانية عشر)، «صلیب» (البعده الثابت) و «محراب» (الرؤیا الثالثة عشر) از نمادهای دینی است.

سکوت امام حسین، گل دسته و محل اذان است و زخم‌هایش، قندیل‌های نور و روشنایی.

«صمته مئذنه / والجراح قنادیل من وهج ... (الرؤیا الثالثة) (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۸).

و گل‌های و بازده نماز می‌گزارند و از الهه پژمردگی طلب بخشش می‌کنند.

فصلت وردة ... موبوءة / واستغفرت آلهة الذبول! (الرؤیا الاولى) (همان: ۱۴).

۲-۲-۱-۳- نمادهای ملی و اساطیری

نمادهایی که نشأت گرفته از باورها و اعتقادات قومی، ملی و فرهنگی یک ملت است. «این

نمادها، برخاسته از بطن تجربه‌های آئینی، تاریخی و سنتی آن قوم است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

کاربرد این نمادها در شعر حسینی نسبت به دو نوع دیگر کمتر است؛ واژگانی مانند ازدها (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۴)، سرزمین باستانی (همان: ۴۸) و چشم حماسه (همان: ۶۵). این واژگان نشان می‌دهد که شاعر برای بیان ایده‌ها و نگرش‌های ملی و اساطیری خویش از آنها استفاده کرده‌است.

در شعر روایت پانزدهم، خطاب به حضرت زینب می‌نویسد:

پلک صبوری می‌گشایی / و چشم حماسه‌ها / روشن می‌شود (همان: ۶۵).

در شعر شمشیر باستانی، شاعر، خود را شمشیر باستانی شرقی معرفی می‌کند:

من شمشیر باستانی شرقم / اصحاب آفتاب / بر قبضه قدیمی من کردند: «یاران مصطفی شمشیر زرنگار / حمایل نمی‌کنند ...» (همان: ۴۸).

نکته قابل بررسی در این کتاب، توجه حسینی به «شرق» و واژه «اشراق» می‌باشد که به‌طور مکرر ذکر شده‌است و نشان می‌دهد او به فلسفه اشراق سهروردی، عنایت ویژه‌ای داشته و حتی نام کتاب نیز برگرفته از همان طرز تفکر است. در فلسفه اشراق جبرئیل نماد عقل کل است:

در کتاب بصیرت / رو به آفاق اشراق / آن نگاه دوربرد / باب روشنی گشود (همان: ۷۰).

در شعر «الحسین لغة ثانية» کاربرد نمادهای ملی و اسطوره‌ای نسبت به شعر «گنجشک و جبرئیل» کمرنگ‌تر است؛ نمادهایی مانند: اموی که نمادی از جاهلیت است.

فهی حیری، هل طاعنوه برمح أموی، أم مدیة وثنیة؟ (الروای الرابعه) (جمیل، ۱۹۹۶: ۲۱)

(آنان حیران هستند، آیا او را با نیره‌ای اموی و یا کاردی جاهلی ضربه زدند؟)

نخل، درخت مقدس آشوری - بابلی است. نخل یا خرما بن در کتاب مقدس، نماد عادل است و سرشار از برکت الهی (شوالیه، ۱۳۸۷: ۴۰۱). جمیل نیز در شعر برای به تصویر کشیدن درد و اندوه مردم در حادثه عاشورا بارها از آن استفاده نموده‌است:

و أنشودة النخل مرثیة (المشهد السادس) (همان: ۶۹).

و سرود و آواز نخل، مرثیه‌است.

۲-۲-۲- نمادها از نظر ابداع و تداول

نمادها از نظر ابداع و تداول به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- نمادهای مرسوم و قراردادی ۲- نمادهایی ابداعی (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

۲-۲-۲-۱- نمادهای مرسوم و قراردادی

نمادهایی هستند که در طول زمان، رواج داشته و مفهوم آنها برای همگان آشنا بوده و کاربرد این نمادها در شعر هردو شاعر فراوان است؛ نمادهایی مانند شب، آفتاب، باران، کوه، آسمان و ... اما آنچه کتاب «گنجشک و جبرئیل» را نسبت به دیگر آثار حسینی متمایز می‌کند، استفاده از مفاهیم تازه برای نمادهای قراردادی است؛ مثلاً واژه باغ از پرکاربردترین واژه‌هایی است که شاعران آن را بکاربرده‌اند؛ اما او همین واژه را با کاربردهایی متفاوت بیان نموده است و در ابیات زیر، «باغ» به معنی دنیا است:

وقتی که در چارسوق لاجوردی / سکه‌های اسفنجی / رواجی متراکم داشت
و بحران آفتاب کاسد در گلوی سوخته باغ / چون کودکی قدیمی / فاسد می‌شد / دست
متورم زمین / از بضاعت برهان / خالی بود (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۴).

و در این ابیات، «باغ»، حریم اهل بیت است و «گل سرخ»، نماد «امام شهیدان» و «پرچین»، نماد اسارت و محدودیت (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۸۱-۲۸۰):

گل سرخ از گریبان / زبانه می‌کشید / و تو به باغی می‌اندیشی / که در زیر پرچینی از علف / تلف می‌شد.

در شعر جمیل، نمادهای قراردادی با فضای جدید و رمزگونه باعث پیچیدگی شعر شده، مفهوم تکراری خود را از دست می‌دهند و مفهومی تازه می‌گیرند:

لیسَ فیهِ سوی غموض رمادیّ و ما خَبِئْتُ عیونَ الضحیَّةِ (الرؤیاءالرابعة) (جمیل، ۱۹۹۶: ۲۰).

در اینجا دریا، نماد ابهام پوچ و خاکستری رنگ است.

در بیت زیر، باد، نماد قیام عاشوراست:

الريحُ قافلَةٌ ... و صرختها جرسٌ.. وهذا الكونُ صحراءُ! (الرؤيا الثانية)
(همان: ۱۷)

(باد همچون کاروانی است و صدای زوزه آن به منزله زنگ کاروان و هستی، بیابانی-که کاروان از آن در حال گذر است-)

باد در این بخش از سروده، نمادی روشن برای خیزش، حرکت و انقلاب و به ویژه سمبول قیام عاشورا می باشد از آن رو که «باد به دلیل انقلاب درونی اش، نماد بی ثباتی، ناپایداری و بی استحکامی است ... و از کهن الگوهایی است که ناخودآگاهی جمعی را شکل می دهد و آن گاه که خدایی بر قومی خشم می گیرد، باد را به عنوان نیروی ویرانگر بر آن ها مسلط می سازد.» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸-۶).

استفاده از ترکیبات تازه با نمادهای قراردادی: باید اذعان نمود که هر دو شاعر، ترکیبات نو را با نمادهای قراردادی با زیباترین شکل به تصویر کشیده اند، تصویری که بر فضای شعر و تخیل شاعر، منطبق است و شعر هر دو شاعر را سرآمد و قابل تأمل ساخته است؛ در شعر حسینی، ترکیباتی مانند «یال ذوالجناح باد» (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۲) و «غروب گرداب» (همان: ۷۷) از این دسته نمادها است.

دندان برآق گرگ ها را / حدسی روشن زده بودی (همان: ۵۸).

از ترکیبات زیبای جواد جمیل، ترکیباتی مانند «فرات به کفن پیچیده» و «پروانه به صلیب کشیده شده» (المشهد الثانية) نماد حضرت علی اصغر(ع) می باشد و ترکیب «تداوم یافته بین نور و خون» (النبوء التاسعه) نماد امام حسین (ع) است.

۲-۲-۲-۲- نمادهای ابداعی

«این نوع نمادها، ابداع خود شاعر هستند و شاعر با توجه به فضای ذهنی خود آنها را به تصویر می‌کشد و با توجه به محتوای ضمنی اثر باید به مفهوم آنها پی‌برد؛ این نمادها در حقیقت موتیف‌ها یا بن‌مایه‌های اثر هنری را تشکیل می‌دهند و می‌تواند کلید راهیابی به دنیای فکر و تخیل آفریننده آن باشد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

سفرنامه خیزران و اندوه خیزرانی که شاعر در ابتدای دیوان بدون هیچ مقدمه‌ای این سفرنامه را سروده است از نمادهای ابداعی شعر حسینی می‌باشد (همان: ۹-۱۲).

«خیزران یا بامبو، گیاهی است بلند و درخت‌مانند با ساقه‌هایی نازک، دراز و محکم که با خم شدن نمی‌شکند و از ریشه آن حصیر و از چوب آن عصا و برخی سلاح سبک چون سپر و نیزه می‌سازند به علت ظرافت و استحکام چوب آن در طول زمان برای تنبیه مجرمان و ساختن شلاق نیز به کار می‌رفته است و از آن به عنوان نماد اعتماد و شجاعت به هنگام بدبختی و تربیت خوب و فضائل مشابه یاد شده است» (یا حقی، ۱۳۸۶: ۳۴۱).

نمادی‌ترین سروده‌های این کتاب، دو شعر آغازین آن به نام سفرنامه خیزران (۱ و ۲) می‌باشد؛ به نظر می‌رسد که او تمامی موضوع کتاب را در این دو سفرنامه خلاصه کرده است. سفرنامه خیزران شاید تلمیحی دو سویه و سلسه وار باشد به دو جریان تاریخی، اول به محلی به نام «سرای ارقم یا دار الخیزران که از اماکن مشهور در صفا است و در سمت ضلع جنوبی کعبه قرار دارد (محمّدی، ۱۳۸۱: ۱۳۸) و نخستین پایگاه سرّی مسلمانان و خانه‌ای بود که پیامبر (ص) به صورت نهانی در آن‌جا نماز می‌خواندند (همان به نقل از سیرة الحلبیه، ج: ۱: ۲۸۳) و دوم به ماجرای فضاحت جلسه یزید که با چوب‌های خیزرانی بر لبان امام می‌زد نمادی است برای پایداری و مقاومت مسلمانان و دشمنی‌هایی که با آئین پیامبر در آن زمان صورت می‌گرفت و قیام سید الشهداء و خون مبین او به کلام جبرئیل، طراوت و تازگی بخشید و مسلمانان را از برزخ تباهی‌ها به سوی نور و روشنایی هدایت کرد:

در بند بند برزخی ام ناله می‌تپید / دستی مرا شکست / دستی شرور و زشت / که بر پرده‌های وحی دشنام می‌نوشت... (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲-۹).

گلدسته در کتاب گنجشک و جبرئیل نماد انقلاب است:

از خاک سجده‌های سرخ / گلدسته‌ای / فوران کرد (همان: ۷۳).

و بولدوزر در شعر زیر، نماد درنده‌خویی منصور، خلیفه عباسی است:

منصور / از جنوب غربی تاریخ / با بولدوزر / به مصاف صدای صاف تو آمد (همان: ۳۸).

از دیگر ترکیبات ابداعی او، نمونه‌های زیر است:

«گلوه‌گاه راه شیری» (همان: ۱۴)، «کارگاه پلکی روشن‌تراش» (همان: ۱۷)، «تراخم تبخیر»

(همان: ۵۶)، «طیب سنتی ابر»، «حدیث یال باران»، «سیلان بی سقوط» (همان: ۱۶۷) که نماد خون

حضرت علی اصغر است و نیز «آستین منطقی ساحل».

ترکیبات زیبا و نو جواد جمیل نیز بر تنوع شعری او می‌افزاید و عاطفه و احساس را در شعر

ایجاد می‌کند، ترکیباتی مانند عیوناً خرافیه الحلم در بیت:

یا عیوناً خرافیه الحلم، مسکونه بالجراد / أطفئی فی الربیع الفتی قنادیلهُ، (النبوءة السادسة)

ای چشمان رؤیاهای خرافی و مسکن ملخان / خاموش کن در بهار چراغ‌های جوانمردی را.

از واژگان پر بسامد شعرهای عاشورایی، «لب» می‌باشد که دارای تصاویر گوناگونی است و

بیشتر تشنگی را به تصویر می‌کشد. در کتاب گنجشک و جبرئیل هم این واژه در ترکیبی زیبا و

متناقض نما تداعی‌کننده عطش امام (ع) و یاران عزیز اوست. در شعر «ترجیع بند عرش» که یکی

از شعرهای ممتاز این کتاب است؛ او حضور حضرت عباس (ع) را با زبانی فاخر و نمادین در

کنار رود فرات ترسیم می‌نماید و واژه «لب» را با ابهامی زیبا بیان می‌کند:

و با لبان موج / بی کرانه‌های دور خطر را / می‌بوسد (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۴).

جمیل، لب را تداعی‌گر اوضاع سیاسی و خفقان حاکم بر کشورهای عربی می‌داند و ماهیت

فریادگری عاشورا را در نظر دارد:

شَفْتَى عَالَمٌ مِنَ الْغَضَبِ الْمَصْلُوبِ مَسَّتْ الْمَوْتَى، فَهَبَّتْ غَضَابًا (جمیل، ۱۹۹۶: ۴۲)
 لبم، دنیایی از خشم به صلیب کشیده شده است/ که مردگان را لمس کرد و خشمگین وزید.
 شَفْتَى جَمْرَةٌ تَشَطَّتْ فَقَدْ تَخَطَفُ بَرَقًا وَقَدْ تَجَىءُ شَهَابًا (الرؤیا الثالثة عشرة) (همان: ۴۲)
 (لب من آتش شعله وری است که برقی را ربود و شهابی را برآورد.)

آب، یکی از اساسی ترین عناصر کاربردی دو شاعر است که با تصاویر گوناگون و متنوعی بیان گردیده که از بعد معنایی، تفاوت محسوسی در آنها دیده نمی شود. اساساً در شعر عاشورایی این دو شاعر، «آب» که سرچشمه حیات است، نماد عطش و عطش که بیان کننده مرگ و نیستی است، نماد هستی بخشی می شود. حسینی با کاربرد واژه هایی مانند علقمه، فرات و آرواره آب، عطش و تشنگی حادثه عاشورا را ترسیم می کند:
 كَيْفَ يَجِيءُ الْمَاءُ؟ / وَ تَحْتَ كُلِّ قَطْرَةٍ / مَحْرَقَةٌ حَمْرَاءُ؟ / وَ خَلْفَ كُلِّ قَطْرَةٍ / جَزِيرَةٌ مَنْقُوعَةٌ
 بِالْمَلْحِ وَالْحَوَاءِ؟ (الرؤیا الثامنة) (همان: ۳۱).

آب، چگونه روان گشته و جریان دارد در حالی که زیر هر قطره ای، آتشی سوزان است و پشت هر قطره، جزیره ای از نمک و تهی بودن؟
 وَ هَذِهِ الصَّحْرَاءُ / تَفْتَحُ مِنْ عَطَشِي وَرَدًا.. (النبوثة الحادية عشرة) (همان: ۱۵۳).
 (و این صحرا از عطش من، گلی را شکوفا کرد.)

۲-۲-۳- کلان نماد (تکرار شونده)

گاه در یک مجموعه یا یک متن ادبی، یک تصویر بیش از همه تکرار می شود «به حدی که احساس خاصی در ما برمی انگیزد؛ احساسی فراتر از خواندن یک واژه معمولی یا استعاره. این تصویر مکرر، جان خواننده را به بازی می گیرد و او را به عالمی ورای ادراک حسی می کشاند» (فتوحی؛ ۱۳۸۵: ۱۹۹).

از پرکاربردترین واژه‌های نمادین ابداعی حسینی، واژه‌های «حنجره، گلو و گلوگاه» را می‌توان نام برد که شاعر بنا بر درون‌مایه شعری، بارها از آنها بهره گرفته‌است. مقاومت و پایداری در برابر استکبار جهانی و قدرت‌ها و اعتراض و فریاد و عدم تسلیم، اعتقاد و آرمان حسینی است که با الهام از حماسه کربلا و جانبازی امام حسین (ع) و یارانش مردم را به آن دعوت می‌کند:

عمود شب/ درگلوئی افق فرو می‌رفت/ و حنجره‌ای/ برای فردای رسالت صیقل می‌خورد .
تعبیرات بسیار زیبا، عمیق، خلاق و ارزشمند او از واژه‌ها و بخصوص این سه واژه، اثر او را نمادین، حرکت آفرین، ماندگار و شاخص نموده‌است.
اگر گلوئی تو نبود/ عقل این حنجره/ هرگز/ به فریادهای بلند/ قد نمی‌داد/ اگر گلوئی تو نبود ...
(همان: ۲۱).

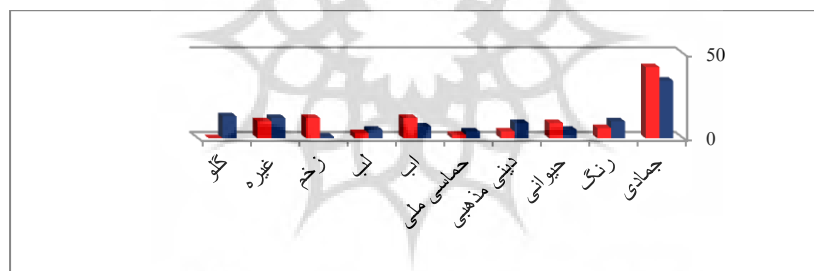
باغ کرامت است/ گلوئی تو/ یا حسین (همان: ۳۰).

نکته بسیار مهم در شعر حسینی، نگرش و نگاه حضرت زینب (س) است که حرکت امام حسین (ع) را در بستر مشیت الهی و اوج ارزش‌ها و زیبایی‌ها می‌بیند و این تفکر، همان جمله عارفانه «ما رایت إلا جمیلاً» است؛ اندیشه‌ای که ریشه در تفکر عرفانی «نظام احسن» دارد و باعث زیبانگری و زیبااندیشی عارف می‌گردد و به او آرامش، صلابت، رضایت و پایمردی می‌بخشد. این فلسفه در این کتاب با زیباترین نمادها به تصویر کشیده شده و بر این اشعار سایه افکنده‌است.

و چنین شد/ که تاریخ گل/ با جغرافیای ارغوانی نامت/ جاودانه عجین شد ... (همان: ۵۹).
اما واژه «جراحت و زخم» پربسامدترین نماد در شعر جمیل است. زخم‌های سید الشهداء، نمادی از نور و رسم‌الخطی روشن است که حق و باطل را از هم جدا می‌کند. این زخم‌ها برای دل‌مردگان و انسان‌های متحجر و فاسق، پیامی ندارد:

«صمتهُ مئذنهُ/ و الجراحُ قنادیلُ من وهج ... (الرؤیا الثالثة) (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۸).

(سکوتش، محل اذان است / و زخم هایش، چراغدان‌هایی از نور است).
 لن تكون نوافذُ جرحی / ممرّاً إلى مُدُنِ الميِّتین! (الرؤیا السابعة) (همان: ۲۸)
 (اما این زخم‌ها برای مردگان و منافقان، راه عبوری ندارد و هدایتگر آنها نیست).
 او در آخرین شعر که در واقع، حسن ختام و چکیده سخن اوست، زخم‌ها را زبان و لغت
 دوّمی می‌داند که باید خوانده شود. شهادت امام حسین (ع) زبانی دیگر است که تفسیر زبان
 وحی و کامل‌کننده رسالت پیامبر است:
 و لکی نقرأ الجرح، لا بدّ من لغة ثانية!! (النبوءة الأخيرة) (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۶۰).



شکل ۱: نمودار مقایسه‌ای فراوانی نمادها در دو مجموعه شعری
 جواد جمیل (قرمز) و حسن حسینی (آبی)

۳- نتیجه‌گیری

قیام‌های آزادی‌بخش جهان و در صدر آن عاشورا یکی از تاثیرگذارترین موضوعاتی است که ادبیات همه ملل و بخصوص ادبیات شیعی عربی - فارسی را تحت تاثیر خود قرار داده و توانسته بین خود، شاعر و مردم پیوندی عمیق برقرار سازد. حسینی و جواد جمیل، دو شاعر ایرانی و عراقی می‌باشند که مضامین دینی و عاشورایی را به شکل بدیع و پر رمز و راز وارد شعر معاصر کردند. مجموعه شعر «گنجشک» از حسینی و «الحسین لغة ثانية» جواد جمیل، نمونه بارز گرایش نمادین ادبیات عاشورایی در زبان عربی و فارسی است.

نمادهای طبیعت در شعر هر دو شاعر، بیشترین بسامد را دارد اما نمادهای طبیعی با عنصر جمادی در شعر جمیل متنوع تر و نماد رنگ‌ها در اثر حسینی، فراوان تر و کاربردی تر است و استفاده از رنگ سرخ بیش از دیگر رنگ‌هاست و همچنین بسامد بالای نمادهای گلو و حنجره در شعر حسینی، فضای فریاد و استقامت ملت ایران در برابر ابرقدرت‌هاست.

از نگاه جواد جمیل، امام حسین (ع) با مبارزه و قیامی که علیه بیدادگری برپا کرد، زبانی دیگر آفرید. زبانی که سکون را می‌شکند و خون و حیاتی تازه در تن جامعه ایجاد می‌نماید. جراحات‌های امام حسین (ع) و یاران باوفایش مانند نور و آینه‌است و این جراحات‌ها، سرچشمه‌ای هستند که ندای راستی، عدالت و مبارزه را سر می‌دهند. شهادت امام حسین (ع) زبانی دیگر است که مترجم زبان وحی و رسالت پیامبر (ص) است.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- انصاری، نرگس. (۱۳۹۲). **حسین از زبانی دیگر**. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲- (۱۳۸۹). **عاشورا در آئینه شعر معاصر فارسی و عربی**. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۳- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی**. ج ۱. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۴- ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۴). **شکوه شقایق: بررسی شعرهای دفاع مقدس**. قم: سماع قلم.
- ۵- جمیل، جواد. (۱۹۹۶). **الحسین لغة ثانية**. قم: المجمع العالمی الاهل البیت (ع).
- ۶- (۱۳۷۰). **سانسور شده‌ها**. ترجمه صابر امامی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۷- چلدویک، چالز. (۱۳۸۸). **سمبولیسم**. ترجمه مهدی سبحانی. چاپ پنجم. تهران: مرکز.
- ۸- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). **گنجشک و جبرئیل**. چاپ ششم. تهران: افق.

- ۹- ----- (۱۳۸۸). هم صدا با حلق اسماعیل. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- ۱۰- خزعلی، انسیه. (۱۳۸۳). امام حسین در شعر معاصر عربی. تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- ۱۲- شوالیه، ژان. گربران، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. ج یک، دو. سه. تهران: جیحون.

- ۱۳- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- ۱۴- کوپر، جی.سی. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادهای آیینی. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: علمی.
- ۱۵- نامی، سید احمد. (۱۳۸۷). شمشیر باستانی شرق. تهران: هنر رسانه
- ۱۶- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

ب. مقاله‌ها

- ۱- آل بویه لنگرودی، عبدالعلی. انصاری، نرگس. (۱۳۸۹) «سیمای امام حسین در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی». نشر ادبیات تطبیقی، ش ۳. صص ۱۵-۳۶.
- ۲- احمدی، رمضان. (۱۳۸۱) «نقش تاریخی سرای ارقم در سیره پیامبر اکرم (ص)». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۶۱ و ۶۲. صص ۱۳۵-۱۵۱
- ۳- شاملی، نصرالله. شهبازی، اصغر. (۱۳۹۴) «با جواد جمیل در سروده‌های عاشورایی با تکیه بر دفتر شعر «الحسین لغة ثانية»». نشریه ادبیات پایداری. ش ۱۲. صص ۱۴۷-۱۶۷.
- ۴- محسنی‌نیا، ناصر. (۱۳۸۸). «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب». نشریه ادبیات پایداری. ش ۱. صص ۱۴۴-۱۵۷.